



جمهوری اسلامی حریف نمیشود

اصغر کریمی



در شش ماه اول سال نیز ۴۳۰۰۰ نفر به همین نیروی انتظامی در استان مازندران تعداد بازداشت شدگان در دور جدید طرح برخورد با بدحجابی در این استان را "۱۹ هزار و ۷۹۸ نفر" اعلام کرد و گفت که این افراد به اتهام ایجاد "مزاحمت خیابانی" دستگیر شده اند. تعدادی از آنها با اخذ تعهد تحویل خانواده‌ها و برخی با تشکیل پرونده قضایی تحویل مراجع قضایی استان شدند.

یادآوری میکنیم که تنها در استان مازندران در شش ماه اول سال نیز ۴۳۰۰۰ نفر به همین "جرم" دستگیر شده اند. در همین مدت در اصفهان ۱۹۳۰۰۰ مورد دستگیر شده و یا مورد بازجویی قرار گرفتند و در استان کرمانشاه ۴۰۰۰۰ نفر دستگیر شدند. ۱۹۷۹۸ نفری که فرمانده امنیت گفته است مربوط به مهرماه به اینطرف یعنی در عرض حدود سه ماه و نیم صورت گرفته است.

با این حال علیرغم اینهمه سببیت و صرف نیروی زیاد برای تسلیم زنان و جوانان به



در ۸ مارس امسال از تمام دنیا بخواهیم تا رژیم آپارتاید جنسی را محکوم کند

شهلا دانشفر



هشت مارس روز جهانی زن یک دستاورد بزرگ برای جنبش علیه تبعیض و رهایی زن در سطح جهان است. هشت مارس فرصتی است که در آن به یمن تلاش انسانهای چپ و رادیکال در سراسر دنیا، توجه تمام جهانیان به ستم کشی زن و علیه تبعیض جلب میشود و صدای اعتراض علیه آن را بلند میکنند. به این اعتبار هشت مارس روز آزادیخواهی و برابری طلبی در سراسر جهان و یک سنگر مهم برای همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و برای جامعه بشری است. باید این روز را گرامی داشت.

پایه‌های تاریخی ۸ مارس بر تلاش جنبش چپ و کمونیستی بنا شده است و در بستر یک کشاکش صدساله، هم اکنون این روز توانسته است به روزی مهم در سطح جهان تبدیل شود. طبعاً این بدان معنا نیست که در همه جا و همه کشورها ۸ مارس توانسته است خود را تثبیت کند. اما مبارزه برای گرامی‌داشت این روز، خود بخش مهمی از

جنبش اعتراضی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در سراسر جهان در اعتراض علیه ستم کشی زن است. در ایران نیز مبارزات گسترده ای برای تثبیت هشت مارس بعنوان یک روز همبستگی جهانی در اعتراض علیه تبعیض و نابرابری زن و مرد صورت گرفته است. بطوریکه هم اکنون می بینیم چپ توانسته است این روز را بعنوان روز جهانی زن، بر روزهای اسلامی و سلطنتی تحمیل کند و خود یک پیشروی بزرگ برای جنبش رهایی زن در ایران است. از همین رو برپایی یک ۸ مارس بزرگ و با شکوه گام مهمی در تثبیت این پیشروی‌ها و یک قدرتنمایی بزرگ در برابر رژیم آپارتاید جنسی در ایران است. باید این روز را هر چه بزرگتر و با شکوه‌تر گرامی‌داشت.

امسال ۸ مارس ویژه است

واقعیت اینست که در ایران یکی از ضد زن ترین حکومت‌ها بر سر کار است و این خود صفحه ۳

در صفحات دیگر:

- * مصاحبه با باران، یکی از فعالین حقوق زن در ایران
- * مریم دو بار توسط برادرش قربانی شد
- * ختنه دختران

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

جمهوری اسلامی حریف نمیشود

از صفحه ۱

مقررات اسلامی، این طرح راه به جایی نبرده است و سران حکومت از ابتکارات! جدیدی برای پیشبرد طرح امنیت! اجتماعی صحبت میکنند:

احمد جنتی دبیر شورای نگهبان که همزمان ریاست ستاد امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دارد، "ارشاد جوانان و زنان" را ناکافی می داند و میگوید: "با توجه به شرایط کنونی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ما نیمه جان به نظر می رسد." جنتی دولت های قبلی را به کوتاهی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر متهم کرده و گفته است: "باید به دنبال فعال تر کردن اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر بود تا بتوان کم کاری گذشته را جبران کرد."

ملاحسنی امام جمعه ارومیه در این مورد در اواخر آذرماه زنانی که به حجاب احترام نمیگذارند و شوهرانشان را مستحق مرگ دانست و گفت نمیفهمم چگونه زنانی که به حجاب احترام نمیگذارند بعد از گذشت ۲۸ سال از تولد حکومت اسلامی هنوز زنده هستند.

و شاهرودی رئیس قوه قضائیه حکومت، که در میان دو خردادیهها و فمینیست های اسلامی! به میانه رو معروف است و آب از لب و لوجه امثال خانم عبادی راه انداخته است برخورد میبانه روانه ای! را مطرح کرده و خواهان اخراج کسانی که ارزشهای اسلامی را در محیط های اداری و دولتی و آموزشی رعایت نمیکند شده است. میگوید: "محروم کردن کسانی که در محیط های اداری ارزشهای اسلامی را رعایت نمی کنند راه مناسبی برای تقویت پایبندی به ارزشهاست. تشویق افرادی که در ادارات و ارگان های دولتی و مراکز آموزشی به خوبی ضوابط و ارزشهای اسلامی مانند حجاب اسلامی را رعایت می کنند و محروم کردن کسانی که در این محیطها خود را مقید به رعایت این

ارزش ها نمی دانند، از خدمات دولتی می تواند به عنوان راهی میانه برای تقویت پایبندی به ارزشها تاثیرگذار باشد." بعبارتی همه اعتراف میکنند که طرحشان زنان را نترسانده و آنها را سربراه و مطیع نکرده است، آنها را اسلامی تر و مجبه تر نکرده است. ایران جامعه ای اسلامی نیست و با هیچ درجه سرکوب، اسلامی نمیشود. برعکس دارد اسلام و ارزشها و سنن و قوانینش را دفع میکند و خود را از آن میتکاند. بی دلیل نبود که غلامحسین الهام سخنگوی دولت، که سازمانده همه این لشگرکشی ها و اعزام نیرو به خیابانها و ادارات بوده، رسماً در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که دولت مسئولیتی در این زمینه ندارد!

اما این راه حل ها و تندتر از این راه حل ها ۲۹ سال است بی وقفه جریان دارد و به جایی نرسیده است. در اوج قدرتشان به محک آزمایش درآمده و ناتوان ترشان کرده است. ۲۹ سال است دارند میگیرند و میزنند و میکشند و اسید میپاشند و سنگسار و اعدام میکنند و دست و پا قطع میکنند، تهدید به قتل میکنند، یا طبق فرمایشات میانه رویهایشان! از کار اخراج میکنند، هزاران قانون علیه آن وضع میکنند، انواع طرحهای سرکوب برایش سازمان میدهند، اما جنبش قدرتمندی آنها را مرتباً عقب تر میبرد. از آماري که ذکر شد میتوان نتیجه گرفت که بطور تقریبی سالانه حدود دو میلیون نفر در سراسر کشور بدلیل عدم رعایت حجاب و سایر مقررات اسلامی دستگیر میشوند و یا مورد بازخواست و تهدید خیابانی قرار میگیرند. و این کسری از کل زنان و جوانانی است که در تور اینها می افتند. حدود ده سال قبل طبق یکی از آمارهای رسمی، سالانه حدود صد هزار نفر دستگیر میشدند. این آمار امروز حدود بیست برابر شده است. یعنی ابعاد این جنبش بیست برابر شده است. این را خودشان با آمارشان دارند اذعان میکنند.

این يك جنبش گسترده اجتماعی با اشکال و

حکومت تن ندارد بلکه سازشکاران را افشا و طرد کرد.

نقطه قدرت مهم دیگر این جنبش، شرایطی است که این جنبش در آن قرار دارد. و آن وجود يك جنبش گسترده و عظیم توده ای برای سرنگونی حکومت است و این جنبش البته خود یکی از ستون های مهم آن است. در خلاء زندگی نمیکند. در جزیره امنی قرار نگرفته است. این جنبش تنها نیست. تنها یکی از جنبش های اجتماعی برای سرنگونی این حکومت است. این کل جنبش است که اجزاء مختلفش با هم به جلو میروند، با هم به چپ میچرخند، به هم نیرو میدهند و از هم نیرو میگیرند. کل این جنبش است که کمک میکند افق های سازشکار نتوانند افقشان را



به جنبش برابری طلبانه علیه بیحقوقی زن نیز قالب کنند. کل این جنبش است که شکست هرکدام را دشوار و غیرممکن میکنند. اگر طرحشان به قول جنتی نیمه جان شده، تقصیر! طرح نیست، مشکل خود رژیم است که نیمه جان شده است و از دست همین جنبش های اجتماعی نیمه جان شده است. اظهارات سخنگوی دولت ده ماه پس از يك لشگرکشی به تمام معنی علیه زنان و جوانان و بسیج نیروی زیاد و بودجه کلان برای اینکار، اذعان به ناتوانی در مقابل زنان است.

و بالاخره نقطه قدرت مهم دیگر آن وجود يك گرایش قدرتمند سوسیالیستی و وجود حزب کمونیست کارگری است که به آن افق میدهد افق های دیگر را میکوبد و عقب میراند.

صفحه ۸

وجوه و زوایای مختلف و در ذات خود سرنگونی طلبانه است. مقابله با پوشش اسلامی، مقابله با زورگویی نیروهای سرکوب در خیابانها و ادارات و محلات کار، تلاش برای حضور در فعالیت های اجتماعی، مبارزه علیه قوانین ارتجاعی، مقابله با آپارتاید جنسی، کنار گذاشتن مذهب و آداب و رسوم مذهبی و گسترش فرهنگ تازه ای در روابط پسر و دختر و زن و مرد، گسترش فرهنگ برابری طلبانه در خانواده ها، برگزاری انواع پارتی ها و دیسکوها و جشن های زیرزمینی اما وسیع و گسترده، برگزاری هشت مارس، ایجاد انواع ان جی او ها و جمع ها و محافل، حضور در سطح جهانی اینها گوشه هایی از بروزات این جنبش وسیع اجتماعی است.

این جنبش نقاط قدرت مهم و اساسی دارد که آنرا به جلو میبرد. ماگزیمالیست است. حکومت سرکوش میکند و بیرون حکومت کم نیستند نیروها و جریانات و شخصیت هایی که خواستهای بسیار کوچکی درمقابلش قرار میدهند که به کم راضی اش کنند. با حکومت آشتی اش دهند. سر براهش کنند. جلو شعارهای رادیکال و تندش را بگیرند. از ملی اسلامی ها تا سلطنت طلبان و جمهوریخواهان مدام درمقابلش چاه و چاله قرار میدهند اما این جنبش سر سازش با آنها و مطالبات کوچکشان و افق و امیالشان ندارد. هشت مارسش را در مقابل روز فاطمه و روز کشف حجاب تثبیت کرد. خواستهای رادیکالاش را درمقابل آنها به پرچمش حک کرد. نه تنها به سازش با

حجاب ها را دور بریزید

در ۸ مارس امسال از تمام دنیا خواهیم تا رژیم آپارتاید جنسی را محکوم کند

از صفحه ۱

جنگ و جدال ما هر سال شاهد برگزاری با شکوهرتر آن نسبت به سالهای قبلیش بوده ایم. بویژه ۸ مارس سال گذشته بیش از هر سال سرخ و رادیکال بود و ما شاهد این بودیم که جمعیت وسیعی در فاصله پارک لاله و پارک دانشجو تمام روز را در خیابان در حرکت بودند و برای برپایی این روز جنگیدند. در هشت مارس سال گذشته زنان و انسانهای آزادیخواهی که برای بزرگداشت این روز به خیابان آمده بودند، علیرغم حمله نیروی انتظامی و دستگیری و ضرب و شتم آنان، ایستادند و مقاومت کردند و علیه حجاب و برای آزادی و برابری شعار دادند.

اینها همه بیانگر اینست که این روز در ایران هر روز ابعاد توده ای تر و گسترده تری پیدا کرده است و امروز با توجه به اوضاع سیاسی جامعه، با توجه به فضای رادیکال و چپ اعتراضات بخش های مختلف مردم، زمینه برای تبدیل ۸ مارس به یک روز بزرگ و توده ای و تشییت آن در کل جامعه فراهم است و باید برای آن تلاش کرد. ۸ مارس در ایران را باید همگام با تمام جهان به یک روز تعطیل عمومی و اعتراض کل جامعه علیه ستم کشی زن تبدیل کرد. باید از هم اکنون در هر کجا که هستیم بر سر کار و در مدرسه و دانشگاه و در همه جا در مورد جایگاه و اهمیت این روز سخن بگویم و کل جامعه را برای این روز مهم اعتراض بسیج کنیم. سال گذشته دانشگاهها گسترده تر از هر سال به استقبال ۸ مارس رفتند، امسال باید گسترده تر و در تمام دانشگاهها ۸ مارس را گرامیداشت.

در ۸ مارس امسال از تمام دنیا خواهیم تا رژیم آپارتاید جنسی را محکوم کند

جمهوری اسلامی رژیم آپارتاید جنسی است. حجاب سمبل ارتجاع اسلامی و این حکومت است و ابعاد جنایات و زن ستیزی این رژیم بر دنیا آشکار است. رژیم آپارتاید جنسی را باید در سطح جهان به انزوا کشید. باید از تمام جهان و تمام انسانهای آزادیخواه در سراسر صفحه ۸

زده شد، حمله میبرد. تا با این کار کل جامعه را عقب براند. برگزاری يك ۸ مارس بزرگ و با شکوه گامی است مهم در به شکست کشاندن سیاست سرکوب رژیم و مشخصا حمله آن به چپ و به آزادیخواهی. باید ۸ مارس را هر چه بزرگتر و قدرتمند تر برپا داشت.

۸ مارس را باید بزرگ و توده ای برپا کرد

بعضا این سؤال مطرح میشود که چرا علیرغم اینهمه تبعیض و ستم علیه زنان در ایران، و از سوی دیگر علیرغم رشد چپ در جامعه و همه نکاتی که بالاتر اشاره کردم، ۸ مارس نتوانسته است توده ای و گسترده باشد. اما من میخواهم بگویم علیرغم خفقان ۵۰ ساله شاهنشاهی و بدنبال آن ۲۸ سال حاکمیت رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی، ۸



مارس آنقدر توده ای و گسترده بوده است که امروز توانسته است خود را بعنوان روز زن بر روزهای شاهنشاهی و اسلامی تحمیل کند. بعلاوه ۸ مارس يك روز مهم جدال زنان و انسانهای آزادیخواه با رژیم در گرامیداشت این روز بوده است. ۸ مارس روزی است که اشکارا رژیم و قوانین ضد زن آن به چالش کشیده میشوند و جمهوری اسلامی هر ساله با نیروهای انتظامی و با سرکوب، تلاش کرده تا مانع از برگزاری این روز شود و اجتماعات برپاشده به مناسبت هشت مارس را مورد حمله و فشار قرار داده است. و در دل این

من مبنی بر وجود يك جنبش قدرتمند چپ، رادیکال، معترض برای آزادی زن در ایران صحنه میگذارد و خود تاکیدی دیگر بر گرامیداشت بزرگ ۸ مارس و تبدیل آن به يك روز قدرتمندی بزرگ این جنبش است. بعلاوه وقتی به اوضاع سیاسی ایران اشاره میکنیم، لازمست بیش از پیش ۸ مارس را به ۱۶ آذر سرخی که پشت سر گذاشتیم وصل کنیم. ۱۶ آذر امسال يك نقطه عطف مهم در جنبش انقلابی در ایران علیه جمهوری اسلامی و علیه کلیت این نظام بود. شانزده آذر امسال با پرچم آزادی برابری و با شعار زنده باد سوسیالیسم، صدای آزادیخواهی و صدای چپ جامعه بود که این بار با اسم و رسم و به اسم چپ جلو آمد و این اعتراض را نمایندگی کرد. و واقعیت مهمتر اینست که امروز این چپ را نه تنها در شانزده آذر، بلکه در اول مه ها، در گرامیداشت روز جهانی کودك، در تجمعات اعتراضی معلمان، در گرامیداشت یاد جانبختگان راه آزادی و در مناسبت های مختلف می توان دید. از همین رو و بویژه بعد از ۱۶ آذر سرخ و رادیکالی که پشت سر گذاشتیم، ۱۶ آذری که در آن جنبش رهایی زن با شعارهای نه به حجاب، نه به جداسازی جنسیتی، آزادی برابری و با تاکید بر اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش رهایی زن، با قدرت تمام حضور خود را اعلام کرد، برای برپایی يك هشت مارس با شکوه که سنتا روزی سرخ و رادیکال است، زمینه بسیار فراهم تر است و با اتکا به این پیشروی ها میتوان و باید به تدارك يك ۸ مارس بزرگ و با شکوه رفت.

اما برگزاری يك ۸ مارس با شکوه امروز يك اهمیت سیاسی دیگری نیز دارد. بدنبال تهاجمی که رژیم به دانشجویان چپ و رادیکال برد تا بر روی پیشروی چپ در جامعه سایه بیندازد و این جنبش را عقب براند. امروز رژیم با دستگیری دانشجویان چپ، در واقع دارد به چپ جامعه و به همه آن خواستهای که در ۱۶ آذر و با شعار آزادی برابری، فریاد

به گرامیداشت ۸ مارس، به عنوان روز اعتراض علیه نابرابری زن و مرد مکان برجسته تری میدهد. بویژه اوضاع متحول سیاسی جامعه، فضای ملتهب اعتراضی موجود و قدرتگیری هر روزه چپ در راس این اعتراضات و جلو آمدن يك جنبش بالنده چپ و رادیکال علیه تبعیض و برای برابری زن و مرد در ایران، به این روز که اساسا روزی سرخ و رادیکال است، جایگاه مهمتری می بخشد. امروز ما به روشنی شاهد این هستیم که در ایران جنبش علیه تبعیض علیه زن به يك جدال هر روزه در کوچه و خیابان و در دانشگاه و در همه جا تبدیل شده است. جنبشی که از همان روز اول حکومت جمهوری اسلامی، یکی از عرصه های مهم مبارزه علیه این رژیم و قوانین اسلامی ارتجاعی آن بوده است. بطوریکه هم اکنون شاهد این هستیم که رژیم علیرغم تهاجمات هر روزه اش به جامعه و جنبش آزادی زن، آشکارا به شکست خود در پیشبرد سیاست سرکوبش اعتراف دارد. این را در اظهارات گوناگونی که حول پیشبرد طرح امنیت اجتماعی که در همین ماههای اخیر از سوی رژیم بکار گرفته شد و به گفته خودشان یکی از اهداف آن مبارزه با "بدحجابی" اعلام شده بود، میتوان به روشنی دید. از جمله در همین هفته گذشته بود که الهام سخنگوی دولت در قبال اجرای طرح امنیت اجتماعی، از دولت سلب مسئولیت کرد و این بحث به موضوعی در دعوای درونی رژیم تبدیل شد. و نیز در موردی دیگر فرماندار مازنداران گزارش از دستگیری بیش از ۱۹۰ هزار زن بدحجاب را داد و گفتند اگر این طرح نبود امروز با "بدحجابی مطلق" روبرو میشدند و مشابه همین آمارها از شهرها و مناطق مختلف دیگر ایران نیز بیرون داده شده است و همین ها کفایت تا به ابعاد گسترده این اعتراض علیه قوانین ارتجاعی اسلامی، علیه حجاب و آپارتاید جنسی و علیه ستم کشی زن در ایران پی بریم. این ها همه حقایقی است که بر اشارات قبلی

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی

مهمترین مسئله زنان در ایران حول حقوق اجتماعی نابرابر و آپارتاید جنسی است

مصاحبه با باران، یکی از فعالین حقوق زن در ایران

بی حجاب: مهمترین مسائل امروز زنان در ایران حول چیست؟

باران: بنظر من مهمترین مسئله زنان در ایران حول حقوق اجتماعی نابرابر است. حول آپارتاید جنسی، چه در جامعه و بعضا در خانواده که با آن روبرو هستند. دوم اینکه يك زن در ایران به همان دلایل نابرابری حقوقی هیچ وقت احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی نمیکند.

بی حجاب: فکر می کنید چقدر مذهب و سنتهای عقب مانده بر زنان تاثیر گذاشته است؟

باران: مذهب و مخصوصا سنتها چون از زمانهای قدیم در ایران مرسوم بوده و نسل به نسل منتقل شده، متأسفانه امروز هم کمابیش در جامعه و در اکثر خانواده های سنتی به قوت خود باقی است و يك زن با افکار و دید سنتی امنیت خود را در پوشش این سنتها و مذهب میبیند. البته باید گفت که خوشبختانه در نسل جوان این سنتها رنگ و بوی کم رنگتری بخود گرفته و سعی بر آن دارند که در فضای دمکرات تر و خارج از اصول افیون مذهب قدم بر دارند.

بی حجاب: تفاوت نسل جوان زنان را با نسل قبلی در چی می بینید؟

باران: در این زمینه تفاوتهای بسیاری به چشم میخورد. برای جواب دادن به این سوال میتوانم خودم را که جزو زنان نسل قدیم هستم با دخترم مقایسه کنم. تفاوت را در آگاهی بیشتر جوانها میتوان مشاهده کرد. آگاهی آنها در جهت نابودی آپارتاید جنسی و برای دست یابی به دنیای بهتر را نظاره گر باشیم. اعتماد به نفس و اینکه براهتی قدم به عرصه وجود گذارده اند و خود را به عنوان يك انسان آزاد قبول کرده اند. در نسلهای قدیم يك زن جوان حق اظهار نظر و تصمیم گیری حتی در مورد مسائل شخصی و خصوصی را نداشت ولی امروزه چنین نیست. حتی در خانواده هایی که سنتها اعمال نفوذ میکند، دختران جوان این خانوادها سعی بر آن دارند که با گذاشتن سنتها به زیر پا، مستقل فکر کنند و در امورات خانه اظهار نظر کنند و حتی با فشارهای سنتی و مذهبی خانواده رو در رو بایستند.

بی حجاب: بعضیها می گویند که مشکل اصلی زنان در آوردن نان و تامین اقتصادی زندگی است نه حجاب و آزادی پوشش، شما چی فکر می کنید؟

باران: به اعتقاد من صد در صد هر دوی این

مقوله ها لازم و ملزوم هم اند و هر دوی این مسائل میتوانند در جای خود مشکلات فراوانی را برای زنان فراهم کند. مسلما اگر مسئله حجاب و پوشش در ایران حل شود (که این خود معضل فراوانی در جامعه فعلی است) يك زن در ایران که براهتی ضرورت تامین نان و مسکن را احساس میکند؛ مشتاقانه برای رسیدن به آن قدم بر دارد. همانطور که میبینیم زنان و دخترانی که زیاد در قید پوشش و حجاب نیستند و حجاب را بیشتر رعایت نمیکنند، بیشتر موفق بوده و بیشتر به مراکز کارایی مراجعه میکنند و خواهان حقوقی مستقل برای آینده خود هستند. به نظر من هر دوی اینها مشکل اساسی زن ایرانی است که در چنین جامعه خفقان زده زندگی میکنند.

بی حجاب: چرا فکر می کنید مشکل کردن جنبش زنان اینهمه مشکل است؟

باران: در مناسبات فعلی حاکم بر جامعه که هر لحظه حکومت فشار و بگیر و ببند را در عرصه های مختلف در دستور خود قرار داده و همان طور که قبلا نیز گفتم، به دلیل مناسبات مذهبی و سنتی موجود در بعضی خانواده ها، ایجاد تشکل و مشکل کردن يك جنبش قوی مشکل خواهد بود. منظورم سازماندهی توده ای زنان است. ولی بهر حال همه ما باید تمام سعی و تلاش خودمان را برای ایجاد این تشکلها داشته باشیم.

بی حجاب: درجه آگاهی و رشد زنان تا چه حد بالا رفته است؟ فرهنگ اجتماعی مردم بطور کلی تا آنجا که به زنان بر می گردد چقدر تغییر کرده است؟

باران: به نظر من فشار های جامعه از نظر اقتصادی و اجتماعی و سرکوبهای اعمال شده از طرف حکومت زن ستیز حاکم، به حدی رسیده که حتی برای زنهایی که خانه دار، مذهبی و سنتی هستند، این ضرورت را ایجاد کرده است که بدنبال يك جامعه آزاد و برابر و يك دنیای بهتر، حداقل برای فرزندان شان باشند. به همین دلیل اکثرا خواهان ایجاد شرایط اجتماعی آزاد و انسانی هستند. ولی عموما مردم عادی نمیدانند که این آزادی و شرایط بهتر در سایه چه نوع حکومتی و چه نوع دموکراسی امکانپذیر است و فقط به ضرورت رسیدن به آن پی برده اند.

بی حجاب: چقدر میزان اشتغال در میان زنان بالا رفته است؟

باران: نسبت به زمان قدیم و نسلهای قبلی، زنان امروز در شرکتها و کارخانجات حضور فعال و گسترده ای دارند. مخصوصا سطح دانش و آگاهی دختران جوان در دانشگاهها بسیار قابل توجه بوده و همین امر باعث شده در عرصه اشتغال، در سمت های کلیدی مشغول بکار میشوند. تا آنجایی که اطلاع دارم زنان جوانی هستند که در کارخانجات بزرگ، از جمله صنایع نفت و پتروشیمی و کارهای عملیاتی فعالانه و بطور شبانه روزی مشغول بکار هستند و با اعتماد بنفس و آگاهی کامل و با مدارک بالای تحصیلی دوش بدوش مردان کار میکنند و هیچ تفاوتی با آنان ندارند و به نحو احسن در کارهایشان موفق هستند.



بی حجاب: برخورد زنان و جامعه بطور کلی به کسانی که مجبور به تن فروشی هستند چطور است؟

باران: متأسفانه این مسئله هنوز در جامعه ما جایافتاده است. و مردم عوام دید مثبتی به این نوع زنان ندارند. افراد عادی باید بدانند که جامعه ای با فضای بسته سیاسی مانند ایران و فقر اقتصادی باعث بوجود آمدن این معضل اجتماعی میباشد. حکومت نیز در برخی موارد، با اعدام و سنگسار این زنان بی گناه، ابعاد بی رحمانه ای به آن میدهد. افراد آگاه جامعه میدانند که يك زن وقتی که با این بست روبرو و به نقطه کور زندگی میرسد برای زنده ماندن دست به تن فروشی میزند. این زنان باید کاملا حمایت شوند. امید به این است که با بالا رفتن سطح آگاهی اجتماعی مردم، به این باور عمومی رسید که يك زن تن فروش يك انسان است مثل همه ما ولی با دردهای خیلی فراوانتر از هر کدام از ما. باید به مردم آگاهی داد که نفرت و انزجار خودمان را بجای تشار کردن به این زنان، تشار مناسبات سرمایه داری بکنیم که ریشه این معضل در آن است.

بی حجاب: آیا تعداد دختران و زنانی که تنها زندگی می کنند در ایران زیاد است؟

باران: بله تعداد این زنان زیاد است. متأسفانه آمار طلاق و جدایی در ایران به درجه بالایی رسیده است و دلایل مختلفی دارد که به هر کدام از آنها اشاره کنیم، ریشه اش را در مناسبات سرمایه داری میبینیم. یکی از این دلایل بیکاری و فشار فقر مالی است که باعث جدایی در يك زندگی مشترک میشود. دوم متأسفانه مسئله اعتیاد است که در این دوره از تاریخ جامعه ایران بشدت گریبان جوانها را گرفته که باعث میشود بعد از ازدواج و تشکیل خانواده و شروع يك زندگی مشترک دوامی پیدا نخواهد کرد و خیلی زود به جدایی منجر میشود. دلیل سوم، چند همسری است. متأسفانه بعضی از مردان هنوز بر اساس اعتقادات مردسالارانه و سنتهای عقب مانده و مذهبی سعی میکنند چند همسر اختیار کنند که خود این یکی از عوامل جدائی و متلاشی شدن زندگی مشترک و جدائی هاست. در مورد دختران هم بیشتر به علت فشارهای ناشی از دید سنتی پدر و مادر در خانواده است. این معضل باعث محدود شدن آزادی دختران و بعضا ازدواج اجباری شده و در نتیجه در موارد زیادی منجر به فرار دختر از خانه شوهر و در نهایت تصمیم به جدائی و تنها زندگی کردن میشود.

بی حجاب: چه سختیها و مشکلاتی برای ایندسته از زنان وجود دارد؟

باران: مشکلات زنانی که تنها زندگی میکنند خیلی زیاد است. اولاً براهتی برای يك زن و یا يك دختر تنها خانه اجاره نمیدهند. در محیط زندگی با دید خوبی به آنها نگاه نمیکند. اغلب تصور اینست که زنی که مرد بالای سرش نیست، حق زندگی آزاد را ندارد. به همین دلیل امنیت بسیاری از زنان ایرانی بدلیل اینکه امنیت اجتماعی و اقتصادی ندارند، مجبور میشوند زیر فشار زندگی نکبتبار همسران خود کوتاه آمده و فشار مرد را در زندگی خودشان تحمل کنند. در حالت کلی مجموعه عواملی که بر شمردم باعث میشود يك زن مجبور به انتخاب تن فروشی برای بقا و زنده ماندن بشود.

در رابطه با زندگی دختران تنها و مجرد هم باید بگویم دهها برابر شرایط سخت تر است.





اسم بی حجاب برای نشریه کمی "نچسپ" بنظر می رسد

دوست عزیز

با سلام و خسته نباشید. در مورد نشریه بی حجاب بعدا مطالبی را خواهم نوشت. ولی در اولین اظهار نظر باید بگویم اسم "بی حجاب" برای نشریه کمی "نچسپ" بنظر می رسد. این نام برای ما عادی شده است، اما برای کسی که اولین بار به آن برمی خورد رنگ و بوی واژگان مذهبی- سنتی را دارد. این نام یک واژه مدرن نیست. اما باید بگویم محتویات و مطالب نشریه هریار بهتر از شماره قبل است. دستتان درد نکند.

کمال جمالی

سهیلا شریفی: دوست عزیز کمال، با تشکر از شما که در مورد نشریه اظهار نظر کرده اید. از اینکه محتویات نشریه بنظرانتان بهتر شده، خوشحالم و راستش اصل مسئله هم همان است. مهم این است که محتویات نشریه خوب باشد، اسم آنرا می توان حتی اگر کسی بنظرش نچسپ باشد، ندیده گرفت. اما حقیقتش را بخواهید خوشحال شدم در مورد اسم نشریه هم اظهار نظر کرده اید، چون چند نفر دیگر هم در اینباره سوال کرده بودند و من دنبال فرصتی بودم که بتوانم چند کلمه ای در مورد انتخاب این اسم بنویسم. البته درستون اول شماره دو نشریه بی حجاب هم در اینمورد توضیحاتی داده ام.

اسم بی حجاب بنظر من از چند نظر مناسب و درست است. اول اینکه بلافاصله و بدون هیچ صحبتی خود این کلمه ما را وصل می کند به جنبش عظیمی که هم اکنون در ایران بر علیه حجاب در جریان است. بی حجاب یعنی نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی و نه به تبعیض و بی حقوقی زن. این یک جنبش مدرن و پیشرو و سازش ناپذیر است که نزدیک به سه دهه است در مقابل هارتترین و ارتجاعی ترین رژیمها ایستاده است و به اعتبار همین بار سیاسی اش، بی حجاب واژه ای مدرن و تعرضی است. من شخصا نتوانستم رابطه آنرا با واژگان مذهبی- سنتی کشف کنم. شاید بد نباشد در اینمورد بیشتر

توضیح دهید.

کلمه بی حجاب از طرف دیگر سوال برانگیز است و بلافاصله جلب توجه می کند که خود اینهم از لحاظ ژورنالیستی یکی از اهداف کار ماست. اینکه خوانندگانی مانند شما توجه می کنند و برایشان سوال می شود که چرا بی حجاب؟ خود بخشی از هدف است. بخاطر اینکه من هم به همین بهانه می توانم نظر خودم را بدهم و بگویم چرا بی حجاب و چرا مبارزه علیه حجاب در جنبش سرگونی جمهوری اسلامی مهم و کلیدی است.

بعضی از دوستان که دقیق تر و موشکاف تر هستند، در جریان بحثها به معنی دیگر بی حجاب هم اشاره می کردند. اینکه بی حجاب را می توان بعنوان بی پرده هم ترجمه کرد و زنان و مسائل مربوط به زنان را که سنتا و تحت قوانین اسلامی در پرده و حجاب نگه داشته شده اند، بروی صفحات نشریه آشکار کرد و در مورد آنها صحبت نمود و آگاهگری کرد. آیا اینکار را کرده ایم یا نه را می گذارم به قضاوت خود شما خوانندگان عزیز. اما با اعتماد بنفس و صراحت می توانم بگویم که در مبارزه علیه حجاب نشریه بی حجاب همیشه جلوی صف است.

من نشریه را برای دیگران ارسال می کنم

سلام سهیلا جان

لطفاً هر هفته نشریه بی حجاب را برای من بفرستید. چون من شماره های قبلی را براسی دیگران ارسال کرده ام و شماره های جدید را هم از من خواسته اند. من شماره 7 را فرستاده ام و شماره 8 را هم امروز گرفتم.

مخلص شما

مسعود

سهیلا شریفی: مسعود جان سلام، چشم، حتما از این به بعد برایتان نشریه را برایتان می فرستیم. چه کار خوبی می کنید که آنرا برای دیگران هم ارسال می کنید. امیدوارم همه خوانندگان عزیز دیگر هم اینکار را بکنند و نشریه را برای دوستان و آشنایانشان ایمیل کنند.

اینجا در افغانستان مردم کارگر روزبروز فقیرتر می شوند و عده معدودی هر روز ثروتمند تر می شوند.

سلام سهیلا عزیز

از اینکه جواب اف لاینهای مرا دادی خیلی خوشحال شدم. من علاقه زیادی به برنامه های شما دارم اما متأسفانه خودم دسترسی به دیجیتال ندارم که بخواهم برنامه های شما را دنبال کنم. برای همین من برنامه های شما را از طریق اینترنت دنبال می کنم که بسیار وقت گیر است اما با وجود این برنامه های شما آنقدر مفید هست که بیننده بخواهد آنها را دنبال کند. من سخنرانیهای آقای حکمت و آقای تقوایی را و کلا همه برنامه هایی که در مورد کمونیستها باشد، گوش می کنم و گاهی با دوستانمان در اینمورد بحث می کنیم که اگر ما هم در افغانستان چنین جنبشهایی نظیر جنبش کارگری ایران داشتیم بسیار خوب می شد.

می دانید در افغانستان اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اصلا خوب نیست. در افغانستان بازار آزاد است و نظام نظام سرمایه داریست. مردم کارگر روزبروز فقیرتر می شوند و عده معدودی هر روز ثروتمند تر می شوند. اینجا سرمایه دارها از خود همه چیز دارند، امنیت، رفاه، حاکمیت، آزادی، بطوریکه تمام رسانه های خصوصی کارشان کاملاً بر طبق میل اسپانسر کنندگان آنهاست. آنها از طریق رسانه های خصوصی فکر مردم را جهت فروش کالاها وارده خود آماده می سازند. مثلاً تلویزیونهای خصوصی با نمایش سریالهای هندی که از طرف شرکتها با قیمت بالایی خریداری می کنند و بعد کالاهایی را که در همان سریالها استفاده شده را وارد و به قیمت بالایی به فروش می رسانند. از



پوشاک گرفته تا قهوه تا نوع دکوراسیونها. در افغانستان حتی ملاها و امامها هم خریداری می شوند و آنها به نفع فلان بنیاد و فلان شخص سخنرانی می کنند.

از طرف دیگر جنبشهای روشنفکری که عملاً وارد کار باشند اصلاً وجود ندارند. ما حتی از نظر فرهنگی هم دارای مشکلات فراوان هستیم.

خب سهیلا جان این فقط کمی اطلاعات از

سرزمینی است که من در آن زندگی می کنم. نه بعنوان گزارش، فقط برای روشنی انداختن در مورد سرزمین من است.

و باز تشکر از شما سهیلا عزیز، چون من بسیار خوشحال و امیدوار شدم، البته من و دوستانم. راستی من برنامه های شما را برای دوستان دانشجوی ایرانی خود از طریق ایمیل می فرستم، چون می دانم در ایران اکثریتهای سیاسی فیلتر شده هستند و من از طرف آنها هم به شما خسته نباشید می گویم. (اگر ایمیل مرا دریافت کردید، یک ایمیل یا یک اف خرد برای من بگذارید. ممنون)

شبانہ سحر از افغانستان

سهیلا شریفی: شبانہ عزیز با سلام و خسته نباشید. اطلاعاتی که بقول خودتان برای روشن کردن ذهنها در مورد افغانستان فرستاده اید، ناراحت کننده و تاثیر برانگیز است. واقعا چه بلایی دارند بر سر مردم می آورند. حتما سعی می کنیم در شماره های آینده نشریه در مورد افغانستان بیشتر بنویسیم شاید با خود شما و دوستانتان مصاحبه کنیم.

درست است که تا توانسته اند تلاش خود را کرده اند که جامعه افغانستان را به فقر بگردانند و اثری از انسانیت در آن باقی نگذارند. اما همین که دوستانی مثل شما در آن کشور هستند که علیرغم همه چیز همچنان امید به آزادی و انسانیت را در دل نگه داشته اند و دارند برای اشاعه این امید مبارزه می کنند، نشانگر این است که آنها در اهدافشان موفق نشده اند. و اگر بتوانیم خوب کار کنیم و همه کسانی که مثل شما فکر می کنند را متحد کنیم، فکر می کنم راه انداختن جنبشهای برابری طلبانه و کارگری و سوسیالیستی در افغانستان هم امکانپذیر است. مخصوصاً اگر موفق شویم جمهوری اسلامی را در ایران سرنگون کنیم، قطعاً بزرگترین ضربه را بر پیکر اسلام سیاسی وارد خواهیم کرد و یکی از اولین جاهایی که از این سرگونی متاثر خواهد شد، افغانستان خواهد بود.

خوب اینها فقط چند کلمه نکته واردر جواب حرفهای شما بود. به امید گفتگوهای بیشتر در اینمورد. برایتان آرزوی موفقیت می کنم.

به علیه تبعیض پیوندید!

روزانه حداقل ۶ هزار دختر طبق قوانین ضد انسانی اسلامی ختنه میشوند

است و این عمل را یکی از سنت های بسیار عقب افتاده و خطرناک می دانند. * محققان سازمان جهانی بهداشت از تمام مردم در سراسر دنیا خواسته اند که: ۱- به غیرقانونی بودن این عمل حتی در کشورهایی که این عمل انجام می شود اعتراض کنند . ۲- صد درصد آن را با حق و حقوق در سلامتی اطفال، دختران و زنان مغایر بدانند. ۳- انجام این عمل مغایرت کامل با حقوق بشر، در هر نقطه از دنیا دارد. سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده است که هر کسی به هر طریقی که برایش امکان دارد نسبت به این عمل وحشیانه اعتراض نماید و مبارزه ای جدی بر علیه این عمل غیر انسانی باید صورت بگیرد .

همچنین اتیوپی به کار می رود. ۷۸ درصد زنان در کشور های مذکور به علت برش های طولانی و عمیق و جوش گاه های (اسکارهای) زخمی حتی قادر به رابطه جنسی با شوهران خود نیستند و تا پایان عمر رابطه جنسی ندارند و یا در صورت انجام این امر و حامله شدن قادر به زایمان طبیعی نخواهند بود. در این صورت زایمان آنها با جراحی انجام شده و یا در نقاط دورافتاده به علت خطرات ناشی از زایمان طبیعی خود و نوزادانشان فوت می کنند. آمار مرگ و میر این زنان و نوزادان آنها نزدیک به یک میلیون در سال تخمین زده شده است. ختنه زنان از طرف سازمان ملل و سازمان جهانی بهداشت و طبق قوانین تمام کشور های اروپایی، آمریکایی و اغلب کشور های آسیایی غیرقانونی است. در این کشور ها افرادی که به این کار مبادرت می ورزند توسط دولت مورد تعقیب قرار می گیرند.

اما تجربه نشان داده است هرگز شخصی یا اشخاصی که در این کشور ها به این کار دست می زنند مورد تعقیب قانونی قرار نگرفته اند.

* محققان سازمان جهانی بهداشت معتقد هستند که ختنه قطع عضو

کنترل تمایلات جنسی دختران، باکره ماندن دختر قبل از ازدواج و در واقع کنترل بکارت آنان از جمله موارد انجام این عمل وحشیانه است.

ختنه زنان چه عوارض و خطراتی را به دنبال دارد؟

- ۱- این عمل در بیش از ۳۰ کشور جهان انجام می شود و در ۷۰ تا ۸۰ درصد موارد با وسایل آلوده و غیربهداشتی بدون استفاده از هیچ داروی موضعی انجام می شود در نتیجه خطر مرگ و شوک وجود دارد.
 - ۲- خونریزی های شدید و گاهی غیر قابل کنترل که منجر به مرگ می شود.
 - ۳- عفونت های موضعی و عمومی بدن که اغلب به درمان های پزشکی احتیاج دارند
 - ۴- درگیری ها و بیماری های روانی حاصل از ایمنی نامناسب.
 - ۵- ایجاد جوش گاه (اسکار) در قسمت بریدگی ها با طول و گستردگی زیاد.
 - ۶- عفونت های حاد و مزمن دستگاه تناسلی واداراری.
 - ۷- احساس درد های غیرقابل تحمل در صورت قادر بودن به رابطه جنسی .
 - ۸- مشکلات نازایی، خطرات و مشکلات ناشی از حاملگی و به خصوص زمان زایمان.
- این عمل از طریق روش های مختلفی انجام می شود. با توجه به نوع انجام این عمل شدت عوارض متفاوت است. وحشیانه ترین روش در کشور های سومالی، سودان و



شهناز مرتب

در دنیا بطور متوسط روزانه حداقل ۶ هزار دختر طبق قوانین و سنن عقب مانده و ضد انسانی اسلامی ختنه میشوند. ختنه دختران یکی دیگر از وحشیانه ترین جنایات و قوانین و سنن ضد بشری و زن ستیزی اسلامی است . ختنه دختران در کشورهای آفریقایی و آسیایی بیشترین آمار را دارد . سازمان جهانی بهداشت طبق آخرین آمار خود اعلام کرده است که در بیش از بیش از سی کشور آفریقایی و آسیایی این سنن پوسیده و ضد انسانی انجام میگردد تعداد بسیار زیادی از این دختران بین سنین ۴ تا ۱۰ ساله میباشد که اتفاقا توسط افراد مسن و مذهبی در نقاط دور افتاده انجام میگردد. در مواردی نادری هم در شهرها و توسط دکترها و در بیمارستانهای خصوصی در کشورهای حتی انگلستان و البته بطور غیر قانونی انجام میگردد. طبق آمار رسمی ۸۰ درصد از این کودکان در کشورهای آفریقایی بخصوص سودان گامبیا و سومالی و ۱۳ درصد در کشورهای آسیایی ختنه میشوند .

چه اهدافی در این سنن زن ستیز دنبال میشود:



۴۵ زن موثر در دنیا

مجله معروف "ال" در بک ۴۵ زن را بعنوان زنان برجسته و موثر سال ۲۰۰۷ معرفی کرد

مریم نمازی و مینا احدی در لیست این ۴۵ نفر قرار دارند



مجله معروف "ال" در شماره اخیر خود ۴۵ زن را بعنوان زنان موثر در سال ۲۰۰۷ معرفی کرده است. از جمله این زنان فویه گرین برگ، پاسکاله پیکارد، آمی وینه هاووس، جی کی روولینگ، سیسیلیا سارکووزی، دروو گیلپین فاووست، میکا برژینسکی و دهها خواننده، هنرپیشه، نویسنده و فعالین عرصه های اجتماعی در این لیست قرار دارند. مینا احدی و مریم نمازی دو سخنگوی علیه تبعیض، در لیست ۴۵ زن موثر در دنیا در سال ۲۰۰۷ هستند. این مجله مریم نمازی و مینا احدی را بعنوان مهمترین چهره های منتقد حکومتی در سال ۲۰۰۷ معرفی کرده است.

فعالیت های درخشان مینا احدی و مریم نمازی در نقد اسلام سیاسی و اسلام و حکومت اسلامی و بویژه فعالیت های این دو در سازمان اکس مسلم و تاثیرات اجتماعی این حرکت بزرگ باعث شده است که این دو نفر در لیست ۴۵ زن مهم دنیا قرار بگیرند. برای اطلاعات بیشتر میتوانید به این لینک مراجعه کنید:

http://www.ex-muslim.org.uk/eng/mediacoverage/img/Top_45_Women_of_the_world_feb.

مریم دو بار توسط برادرش قربانی شد. یک بار با ازدواج اجباری و بار دیگر با قتل او

سارا ارجمند - از ایران

تمامی این نتایج واقف است ولی چون جمهوری اسلامی است کارهایش را هم از روی ضدیت با انسانها انجام میدهد اگر قرار باشد که در جهت رفع اینگونه مشکلات کاری انجام دهد آنوقت که جمهوری اسلامی نیست. جمهوری اسلامی، حکومت خدا و قرآن اینگونه عرض اندام می کند و تازمانی که جمهوری اسلامی باشد این جنایات و جنایات دیگر هم به مراتب بیشتر ادامه خواهد داشت. حکومت اسلام، قرآن، خدا و محمد به مانند یک بیماری است که این جنایات هم از مشخصه های این بیماری هستند. برای مبارزه با بیماری نباید فقط به مشخصه ها و علائم بیماری پرداخت بلکه باید ریشه بیماری (جمهوری اسلامی) را قطع کرد و درد را از ریشه درمان کرد.

کنند. از این که بگذریم چون این موضوع بحث مفصلی را می طلبد و بارها در این باره بحث شده است. اما قربانی های این ماجرا فقط به مریم ختم نمی شود و قربانیها ادامه دارند از یک طرف خود این برادر قربانی افکار ارتجاعی و ضد زن، ناشی از قوانین الهی است و در اوج نا آگاهی به قتلی که در نهایت آگاهی انجام داده است افتخار میکنند. از طرف دیگر بچه های مریم قربانی هستند. حالا دیگر شوهر مریم دخترش را به تن فروشی وا داشته است و دخترش هم مانند مادر بارها تهدید به قتل شده است. پسر کوچکش هم نزد یکی از فامیلهایشان زندگی می کند البته زندگی که بیشتر به مرگی تدریجی شباهت دارد. اطرافیانش او را اذیت می کنند و او را با انگشت به هم نشان می دهند که خانواده اش فاحشه و تن فروش اند. پسر بچه کوچک در کنار این مغزهای پوسیده روزگار سختی را سپری می کند.

اما بگذارید ببینیم دولت برای آنها چه کاری کرده است؟ دولت برای جلوگیری از قتل دختر مریم و به قول خودشان جلوگیری از تن فروشی او!! او و پدرش را به شهرستانی در جنوب ایران تبعید کرده است. اما آیا تبعید راه حل است؟ واقعاً چقدر به مغزشان فشار آوردند تا راه حلی پیدا کنند!! برای هر کسی کاملاً مشخص و واضح است که زندگی در تبعید و فقری مضاعف و اعتیاد پدر (شوهر مریم) و... دوباره دخترش را وادار به تن فروشی می کند. اما آیا واقعاً این نکته برای دولت پوشیده است؟ واقعاً آنها نمی دانند که از هر زاویه نگاه کردن به این راه حل این نتایج عاید می شود؟ آیا آنها نمی توانند برای نجات زندگی آنها از فقر و تامین مخارج زندگیشان مانع از تن فروشی دخترک شوند و پسر کوچک را حداقل به پرورشگاهی ببرند تا اینقدر مورد آزار و اذیت قرار نگیرد؟ جواب همه این سوالات واضح است دولتی که از ارائه طرح و برنامه های ضد انسانی کم نمی آورد به

اورا درمغازه گیر می اندازد و وحشیانه با آن کارد بزرگ تمام بدنش را تکه پاره می کند. آنقدر کارد را درجسمش فرو می کند تا مطمئن می شود که مریم مرده است و آنگاه با غرور از کنار جسد خون آلودش دور میشود. به این ترتیب برای بار دوم مریم توسط برادرش قربانی می شود یک بار با ازدواج اجباری و بار دیگر با قتل او.



مردم هراسان این صحنه را نگاه میکردند ولی راستش ماجرا برایشان تازگی نداشت بارها این صحنه ها را دیده بودند و حتی بعضی افراد که مغزشان به مانند مغز این برادر معیوب بود کشتن مریم را کار درستی می پنداشتند. ماموران دولتی برادر مریم را دستگیر کردند. اما پس از مدتی با قرار وثیقه کم و حبس کوتاه مدت او را آزاد کردند. بعد از حبس کوتاه مدت نه تنها برادر از کارش پشیمان نبود بلکه صراحتاً گفته بود که اکنون احساس شرف و مردانگی میکنند. یعنی قوانین دولتی به نحوی بر قتل و زن کشی مهر تأیید زده و حتی افرادی که آگاهانه دست به این جنایات می زنند بعد از حبس کوتاه مدتشان به جنایت خود افتخار میکنند و "دولت اینگونه به بازپروی افراد کمک می کند". حتی این گونه حبس کردنها هم فقط حالتی نمایشی باخود دارد و گرنه خود حکومت اسلامی و قوانین اسلامی بر زن کشی و جنایات علیه زنان صحنه می گذارند. این را می توان در کتاب قران در آیاتش و فرمایشات نمایندگان خدا دید که چقدر با زن ضدیت دارند و حتی قتل زنان را تحت نام دفاع از شرف و ناموس بیان می

بگذارید از اول شروع کنم. مریم دختر کم سن و سال و زیبایی بود که مادرش از سرعلاقه به او "مریم سرخ گونه" می گفت. او همیشه به موهای بلند مریم دست می کشید و "مریم سرخ گونه من" صداش میکرد. مریم تقریباً 13 ساله بود که برادرش عاشق دختری شد و خانواده آن دختر شرط رضایت به ازدواج آنها را دادن مریم به برادر آن دختر قراردادند. در خانواده ها معامله و معاوضه دختران رسم بود و هنوز هم بارها دختران فدای عشق برادرشان و یا حتی پدرانشان میشوند. در خانواده مریم هم که همیشه مرد حرف اول و آخر را میزد و به این ترتیب با تهدید و اجبار مریم را شوهر دادند. مادر مریم هم چون زن بود حق هیچ گونه اظهار نظر یا مخالفت را نداشت و تا حدودی هم دخترش را به قربانی شدن برای زندگی برادرش تشویق میکرد. بالاخره مریم به اجبار به خانه بختی که از همان ابتدا برایش جز شوربختی و بدبختی نبود فرستاده شد. از همان روزهای اول زندگی مریم متوجه اعتیاد شوهرش شد و شوهرش برای تامین مخارج زندگی و پول موادمش از همان اوایل زندگی شمشیرکشان مریم را وادار به تن فروشی کرد.

سالها به همین منوال گشتند. حالا دیگر مریم صاحب یک دختر و یک پسر هم شده بود افرادی که آنها را میشناختند از مریم بعنوان زنی تن فروش صحبت می کردند و این موضوع باعث شد که برادرش، همان برادری که او را قربانی خواسته خود کرد، خشمگین شود و با شنیدن حرفهای مردم درمورد خواهرش، آمپر غیرتش! بالا برود. او بارها مریم را به کشتن تهدید کرده بود و در چی فرصتی بود که این تهدید خود را عملی کند. بالاخره دریکی از روزهای سرد زمستان جلوی چشمان بهت زده مردم، برادر با غیرت! با کارد بزرگی که بیشتر به شمشیر شباهت داشت به مریم حمله می کند. مریم به مغازه ای در همان نزدیکی پناه می برد. اما برادرش

سر دبیر نشریه بی حجاب:

سهیلا شریفی

sohailasharifi@yahoo.co.uk

همکار نشریه: منوچهر ماسوری

دبیر علیه تبعیض:

مهین علیپور

سخنگویان علیه تبعیض:

مینا احدی

مریم نمازی

آدرس و شماره تلفن تماس:

nohejab@yahoo.com

0046707777313

دفتر سازمان عفو بین الملل در برلین از جمهوری ایران خواست حکم سنگسار به عنوان یکی از بدترین شکل‌های اعدام، را از قوانین قضایی خود حذف کند



اجرای این قانون را کافی نمی‌داند و خواستار حذف این قانون و قانون "مجازات برای رابطه نامشروع" بطور کلی از قوانین قضایی کشور شد.

در این بیانیه آمده است که "حکم سنگسار بعنوان مجازات برای "زنا" در حالی در ایران اجرا می‌شود که در بسیاری از کشورهای دنیا "زنا" اصلاً جرم شناخته نمی‌شود. در بسیاری از کشورهای مسلمان دیگر نیز با آن به گونه‌ای دیگر برخورد می‌شود. بیشتر کسانی که به این احکام محکوم می‌شوند زنان هستند. ایران کشوری است که در آن شهادت زن در دادگاه به اندازه نیمی از شهادت مرد اعتبار دارد"

دفتر سازمان عفو بین الملل در برلین روز جمعه یازدهم ژانویه با انتشار بیانیه‌ای از جمهوری ایران خواست حکم سنگسار به عنوان یکی از بدترین شکل‌های اعدام، را از قوانین قضایی خود حذف کند

در بیانیه آمده است که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران بیش از پنج سال پیش به سازمان عفو بین الملل اطمینان خاطر داده بود که قانون سنگسار دیگر در ایران اجرا نمی‌شود. در حالی که ظرف همین مدت موارد متعددی از اجرای احکام سنگسار به این سازمان گزارش شده است.

سازمان عفو بین الملل تعهد ایران برای عدم

نماینندگان مجلس در آن استان سخنرانی کردند.

مینا احدی در سخنرانی خود، مروری کرد به سیاستهای دولت آلمان، در مورد مهاجرین و پناهندگان، و با نقد شدید این سیاستها اعلام کرد که اکنون مشکلات بیشتر شده و با همکاری و ماماشات دولت آلمان با سازمانهای اسلامی، نقش و نفوذ آنها در جامعه بیشتر شده و هر درجه رشد این سازمانها، به معنی نفوذ و دخالت بیشتر اسلام و سنتها و مقررات ضد زن و ضد انسان در زندگی مردم است. مینا احدی گفت: ما در جلسه امروز در

گزارشی از جلسه سخنرانی مینا احدی در شهر ویس لوخ آلمان

روز یکشنبه ۱۳ ژانویه مینا احدی، سخنگوی علیه تبعیض بنا به دعوت حزب لیبرال آلمان در شهر ویس لوخ در رابطه با اسلام و نفوذ اسلامیتها در آلمان سخنرانی بسیار موفق داشت در این مراسم که کلیه مسئولین استان بادن و تمبورگ حضور داشتند از جمله شهردار ویس لوخ و چند تن از

دفاع کرد. این سخنان با استقبال پرشور حاضرین روبرو شد. مینا احدی ضمن اینکه اسلام سیاسی را به نقد میکشید، به شدت رگه‌های راسیستی در جامعه را به نقد کشید. سخنرانی مینا مورد توجه حضار قرار گرفت سپس سوالات متعددی از طرف شرکت کنندگان مطرح شد که به تمامی سوالات پاسخ داده شد.

در این جلسه چندین خبرنگار از شهر ویس لوخ حضور داشتند که گزارش و عکس تهیه کردند.

مورد يك معضل مهم اجتماعی حرف می‌زنیم که با جرات و شجاعت باید به آن پرداخت و در مقابل سازمانهای ترور و وحشت اسلامی، که با بالا ننگه داشتن خطر ترور، از جامعه باج می‌گیرند، باید ایستاد در دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی و نقد نسبت فرهنگی به میدان آمد.

در سالن مملو از جمعیت، مینا احدی، نقش اسلام سیاسی در ایران و خاورمیانه و جنگ دو قطب تروریستی را مورد بررسی قرار داد و با محکومیت این دو قطب، از انسانیت و حقوق انسانی و جهانشمولی حقوق انسانی

در ۸ مارس امسال از تمام دنیا بخواهیم تا رژیم آپارتاید جنسی را محکوم کند

از صفحه ۳

مهم این نبرد علیه رژیم اسلامی و انعکاس صدای این اعتراضات در سطح جهانی بوده اند. اکنون جمهوری اسلامی در حلقه محاصره اعتراضات جامعه قرار دارد. در سطح جهانی به انزوا کشیده شده است، ۸ مارس فرصت مناسبی است که به جهان اعلام کنیم که باید این رژیم بخاطر جنایاتش و بخاطر زن ستیزی اش و در همبستگی با جنبش آزادی زن در ایران محکوم شود.

خلاصه اینکه برپایی يك هشت مارس قدرتمند در ایران، با شعار نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب، نه به تبعیض، زنده باد سوسیالیسم يك حرکت مهم سیاسی در ۸ مارس امسال است. که بیش از پیش جهان را متوجه ما خواهد کرد. باید به تدارك آن برویم.

دنيا خواست که رژیم آپارتاید جنسی را محکوم کنند. این جبهه مهم مبارزه ما در ۸ مارس امسال است. پرونده جنایات این رژیم آنچنان حجیم و قطور است که باید به جهانیان اعلام کرد که رژیم اسلامی قاتل مردم ایران است و این رژیم را باید از همه مراجع جهانی طرد کرد.

واقعیت اینست که جنبش اعتراضی علیه ستم کشی زن با مبارزات هر روزه خود توانسته است صدای این اعتراضات در سطح جهان باشد. مبارزه علیه سنگسار، مبارزه علیه اعدام و نجات جان زنانی که بخاطر زیر فشار قرار گرفتن و شرایط ناسامان زندگی، مرتکب قتل شده و خود قربانیان این نظام بوده اند از اعدام، مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی و برافراشته نگاهداشتن دائمی پرچم این مبارزات، از جمله جبهه های

جمهوری اسلامی حریف نمیشود

از صفحه ۲

کرده است اما شخصیت های سرشناس کمی در داخل و خارج دارد و این نیز در گرو حل نقطه ضعف دیگر یعنی سازمانیابی است. در سطح جهانی نیز علیرغم فعالیت های مهمی که در شناساندن این جنبش و جلب توجه به آن صورت گرفته است اما هنوز تا شکل دادن به يك جنبش همبستگی در حمایت از آن فاصله زیادی است. تلاش برای پیشروی در این دو عرصه، کار پیشروان و فعالین این جنبش و کل جنبش سوسیالیستی و کمونیسم کارگری است.



جنبش سوسیالیستی است که بر جنبش آزادی زن هژمونی دارد و امروز مطالبات و شعارها و خط و افقش را شکل میدهد. و این نقطه قوت تعیین کننده این جنبش است. منشاء قدرت و تسلیم ناپذیری آن است. و در عین حال به سهم خود جنبش سوسیالیستی و کمونیست کارگری را نیرو داده و تقویت کرده است.

این جنبش اما نقاط ضعفش را باید بشناسد و بر آن غلبه کند. علیرغم همه تلاشی که بسیاری از فعالین این عرصه در سالهای گذشته انجام داده اند و نهادها و وبلاگها و محافل و جمع هائی که تشکیل داده اند، اما هنوز از نظر سازمانی عقب است. پراکنده است هرچند وسیع است. بی شکل است. حتی اگر دو درصد آن سازمان پیدا کند به نیروی عظیم و باورنکردنی تبدیل میشود. شخصیت های ملی اسلامی و یا نوع فرح پهلوی را طرد